

① دادگاه اعضای حزب توده در آذر ۱۳۶۲. برخورد با حزب توده از زمستان ۱۳۶۱ آغاز شد. از راست: نورالدین کیانوری، دبیرکل حزب توده، شاهرخ جهانگیری، محمد مهدی پرتوی، محمد امیر معزز و بهرام افضلی فرمانده نیروی دریایی ارتش ایران.



× نگران روس‌ها

بهار ۱۳۶۱ برای ایران بهاری سراسر پیروزی بود. ایران همواره به دنبال موضعی مستقل از دو بلوک قدرت دنیا بود. اما آمریکایی‌ها به شدت نگران بودند که ایران به شوروی نزدیک شود. روزنامه‌ی *The Tribune*، ۱۹ فروردین پس از عملیات فتح‌المبین و پیش از عملیات بیت‌المقدس نوشت: «اغلب ما به یاد داریم که آیت‌الله روح‌الله خمینی و پیروانش آمریکا و شوروی را «شیطان» خوانده و به یک میزان طرد کردند. ایرانی‌ها از این که شوروی با تأخیر قابل ملاحظه انقلابشان را به رسمیت شناخت و بعد هم به حمایت لفاظانه اکتفا کرد، دلگیرند. حکومت جدید چند اقدام شوروی‌ستیزانه انجام داده مثل کاهش تعداد کارکنان سفارت شوروی، تعطیلی فعالیت‌های مشترک مانند بانک روسی-ایرانی و امتناع از صدور ویزا برای مسافران روس.

امروز ایران آمریکا را همچنان به‌عنوان دشمن شماره‌ی یک مردم برمی‌شمارد اما تقریباً دست از محکوم کردن شوروی برداشته است. ضمن این که ایران و شوروی در حال مذاکره درباره‌ی پروژه‌های مشترک و طرح‌های کمکی جدید هستند و تا این لحظه چند طرح را کلید زده‌اند. این تغییرات با حمله‌ی عراق به ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ شروع شد. ایران ناگهان غافلگیر شد و محتاج کمک بود. در این شرایط و با سابقه‌ی تنش در روابط با غرب و حمایت بیشتر اعراب از عراق، ایران گریزگاهی جز شوروی نداشت.

در طی نه ماه تا یک سال گذشته روس‌ها به ایران غذا، کمک اقتصادی و از همه مهم‌تر، قطعات یدکی موردنیاز برای تجهیزات نظامی رسانده‌اند. از آن‌جا که بیشتر تجهیزات جنگی ایران همان خریدهای شاه از آمریکا است، به نظر می‌رسد حداقل بخشی از قطعات یدکی این تجهیزات از مسیر کشور سومی... و با هماهنگی شوروی وارد شده باشد. روس‌ها ضمناً کمک‌های فنی هم به ایران رسانده‌اند که یک نمونه‌ی آن پروژه‌های بسیار راهبردی (برای شوروی و غرب) یعنی ساخت پایگاه دریایی در خلیج عمان، در نزدیکی تنگه‌ی هرمز و در مسیر تانکرهای نفتی، است.»

«ناظران معتقدند ایران هنوز درباره‌ی این روابط جدید مردد و نامطمئن است اما ضمناً سیاست‌های جدید آمریکا می‌تواند او را بیشتر به آغوش شوروی سوق دهد.»

روزنامه‌ی *The Tribune*، ۱۹ فروردین ۱۳۶۱

در باره‌ی بعضی

مسائل مثل سلاح‌فروشی شوروی به عراق و حضور نظامی شوروی در افغانستان وجود دارند. این عوامل، در کنار بدبینی رهبران ایران به شوروی، احتمالاً مانع تحکیم چشم‌گیر روابط دو کشور در کوتاه‌مدت خواهند شد.»

واکنش احتمالی شوروی در صورت حمله‌ی ایران به عراق

در بندهای ۷۲ تا ۷۵ به این موضوع پرداخته‌اند و البته تصویر روشنی از موضع احتمالی شوروی ارائه نمی‌دهند؛ از طرفی شوروی را مخالف روی کارآمدن حکومتی بنیادگرا در عراق معرفی می‌کنند و از طرفی به سود شوروی از فروش تسلیحات به طرفین درگیری صحبت می‌کنند. در بند ۷۴ نتیجه گرفته‌اند: «در صورت ادامه‌ی عملیات تهاجمی ایران در خاک عراق، ممکن است روس‌ها امیدوار شوند که این روند نهایتاً به سودشان تمام خواهد شد. شاید مسکو تصور کند این حمله سرانجام به سبب همان مسائلی که باعث شکست تجاوز عراق به خاک ایران شدند، شکست خواهد خورد؛ موفقیت‌مقدماتی [ایران] با مقاومت سرسختانه‌ی عراقی‌هایی که در خاک خودشان می‌جنگند روبه‌رو خواهد شد و تأمین مایحتاج حمله و حفظ انگیزه‌ی نیروهایی که در سرزمینی بیگانه با خطر مرگ مواجه می‌شوند، برای ایران دشوار خواهد بود. از این گذشته، ممکن است چنین حمله‌ای به سقوط صدام حسین و روی کار آمدن رهبران جدیدی بینجامد که برای کمک دست‌به‌دامان شوروی خواهند شد.»

نیازهای نظامی عراق را تأمین کرده است. روابط سیاسی هم کمابیش تحکیم شده‌اند. از ماه مارس، شوروی چند بار میزبان مقام‌های عراقی بوده و چند مقام بلندپایه‌ی اروپای شرقی و وزارت خارجه‌ی شوروی هم به بغداد سفر کرده‌اند. این مواضع مثبت سیاسی و نظامی شوروی در قبال بغداد نشانه‌ی علاقه‌ی مسکو به حفظ روابطش با عراق است. با وجود ناراضی‌نمایی شوروی از نزدیک شدن صدام به غرب و اعراب محافظه‌کار، عراق از نظر مسکو همچنان دوستی هم‌پیمان، یکی از مخالفان سنتی سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه، منبعی برای ارز احتیاطی، و بازاری ثروتمند و بالقوه برای جایگزینی سلاح‌های اذست‌رفته در جنگ است.» و توضیح داده شده که هم‌زمان شوروی تلاش کرده با ایران نیز رابطه‌ی خوبی داشته باشد؛ «تجارت دوجانبه با ایران در سال ۱۹۸۱ به سطح بی‌سابقه‌ی ۱/۱ میلیارد دلار رسیده و به این ترتیب، از متوسط پیش از انقلاب بالاتر رفته و در مقایسه با ۵۱۵ میلیون دلار سال ۱۹۸۰ (که به شکلی استثنایی پایین بود) دو برابر شده است. در حال حاضر، دست‌کم دوهزار مستشار شوروی در ایران در پروژه‌های اقتصادی و فنی و بعضی برنامه‌های کمک نظامی دخیل‌اند. این عدد تقریباً برابر تعداد مستشاران روس در دوره‌ی شاه است اما از تعداد مستشاران حاضر در ایران در نخستین روزهای پس از انقلاب بسیار بیشتر است. به نظر می‌رسد هر دو طرف مایل‌اند پروژه‌های صنعتی مشترک بیشتری در ایران داشته باشند.» بعد حدود ۱۵ خط پاک شده است و بند ۷۰ در متن وجود ندارد و در بند ۷۱ به چالشی میان ایران و شوروی اشاره شده است: «با وجود همکاری‌های منافع اقتصادی و افزایش محدود تماس‌های سیاسی در ماه‌های اخیر، اختلاف‌های قابل توجهی

در بند ۷۵ یک پیش‌بینی جالب وجود دارد: «افزایش اعتماد به نفس ایرانیان در پی شکست عراق می‌تواند باعث شود رژیم (آیت‌الله) خمینی برای قدرت‌نمایی، با حزب توده‌ی (کمونیست) ایران در بیفتد و شاید حمایتش از شورشیان افغان را افزایش دهد. به مرور زمان، شوروی احتمالاً از روابط تسلیحاتی‌اش با عراق برای حفظ نفوذش در بغداد بهره خواهد گرفت و امید خواهد بست که کم‌کم رژیم‌های شکل بگیرد که با شوروی روابط دوستانه‌تری داشته باشد.» چند ماه بعد، در پایان سال ۶۱، ایران برخورد شدید با حزب توده را آغاز کرد.

new leaders who would turn to the Soviets for help.
75. It, however, Tehran's drive succeeded and resulted in the installation of a fundamentalist, Shia regime in Baghdad, the Soviets are likely to believe that an Iranian victory would strengthen clerical rule in Tehran and make Iran even less susceptible to Soviet overtures. Increased Iranian self-confidence from a defeat of Iraq could also embolden the Khomeini regime to demonstrate its strength by turning against Iran's Tudeh (Communist) party and possibly increasing support to the Afghan insurgents. Over time, the Soviets would be likely to see their own relationship with Iraq in an attempt to preserve influence in Baghdad, and would hope that a more friendly regime would appear in time.